

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و برزنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Historical

تاریخی

داکتر اجرالدین حشمت



از جنبش مشروطه تا دولت مشروطه در افغانستان

طوری که دیده میشود پیش آهنگی اکثر جنبشهای استعماری و استبدادی سده های نهم و بیستم راروشنفران (۸) به عهده دارند ، نهضت مشروطیت افغانستان هم از این امر مستثناء نیست . بنا بر آن قبل از آنکه به گروه بندی های سیاسی و ترکیب اجتماعی آنها پرداخته شود بی جا نخواهد بود در مورد اصطلاح « روشنفکر » تحلیل مختصری به عمل آید تا بدانیم روشنفکر کیست ؟ زادگاه و منشاء پیدایش آن کدام است و چرا روشن فکر همیشه نقش پیش آهنگ را در جنبشها به عهده دارد ؟ از همه اولتر به جمله ذیل توجه نمایند :

« روشنفکری اطلاق است در حوزه مسایل اندیشه و تعقل ، در قلمرو بینش آدمی ، در برداشتی که از امور روزگار دارد . (۹) دیده میشود که روشنفکر فقط در حوزه هایی مطرح است که با « کلام » سرو کار دارد . (۱۰)

در جریان انقلاب مشروطیت ایران فرزندان اشرافیت که از فرنگ برگشتند خود را به نام «منورا لفر» می نامیدند که این کلمه معادل (Les Eclaires) فرانسوی یعنی «روشن شدگان» است . (۱۱)

قرار اظهار آل احمد « کنگره اتحادیه بین المللی کارگران روشنفکر » که در ۱۹۵۲ م در پاریس منعقد شد با وسعت نظر نسبتاً بیشتر تعبیر زیر را برای « روشنفکر » پذیرفت :

« روشن فکر کسی است که فعالیت روزانه اش مستلزم نوعی کوشش فکری باشد ، آمیخته با ابتکار و ابراز شخصیت ، در صورتیکه این فعالیت فکری بر فعالیت های بدنی روزانه او بچرخد .»

در فرهنگ فلسفی اتحاد شوروی آنوقت، روشن فکر را به این عبارت تعریف کرده اند : « روشنفکران يك لایه اجتماعی واسط هستند – تشکیل یافته از مردمیکه کارهای فکری میکنند . این لایه اجتماعی شامل میشود مهندسان

و متخصصان صنعت (تکنیشن ها) ، وکلا و هنرمندان ، معلمان و کارگران علوم را . به این تعبیر «انتلی ژانسیای» روس در سال ۱۹۵۵ م ، پانزده میلیون نفر بوده است ، از میان جمعیت بالغ به ۲۰۰ میلیون . (۱۲)

اکنون تعریف « روشنفکر » را از زبان سمور ما رتین لپست (Seymour Martin Lipset) می شنویم که در مقاله (روشنفکران امریکائی و وضع موجود شان) منتشره سال ۱۹۵۹ م مجله « دالوس » ارگان اکادمی هنر ها و علوم امریکا انعکاس یافته است : « ما روشن فکر می دانیم کسانی را که خلق کننده فرهنگند ، یا توزیع کننده آن یا به کار برنده آن . غرض از فرهنگ ، این یک دنیا رمزها و استعاره است که شامل هنرها ، علوم و مذاهب هست . در داخل این گروه روشن فکران دو دسته مختلف اسطح هست . نخست هسته خلق کنندگان فرهنگ یعنی علماء و هنرمندان و فیلسوفان و نویسندگان و چند نفری هم از مدیران مطبوعات و چند نفری هم روزنامه نویس . و پس از این هسته ، در درجه دوم نوبت میرسد به کسانی که توزیع کنندگان همان چیزی هستند که دسته اول به وجود آورده یعنی مجریان هنر های مختلف و اکثر معلم ها و اغلب روزنامه نویس ها . علاوه بر این دو گروه ، دسته سوم نیز هست که در حاشیه دو گروه اول قرار گرفته و جزء روشنفکران می شماریم شان ، یعنی تمام آن کسانی که فرهنگ را به عنوان جزو الزام آور شغل خویش به کار می برند یا به کار می اندازند و اینها اعضای مشاغل آزادند ، همچون پزشکان و وکلاء . » (۱۳)

روشنفکران نه تنها در ممالک عقب مانده در پیشاپیش نهضت های مشروطه طلبی قرار داشته اند بلکه در ممالک انکشاف یافته پیش آهنگی مبارزات طبقاتی انقلاب های متعدد را به خاطر استقرار حکومت دلخواه شان نیز به دوش داشته اند . اگرچه آنها از اقشار و طبقات مختلف برمی خیزند ، اما خود را متعلق به هیچ طبقه خاصی نمیدانند و در تمام ممالک جهان دارای خصلت مشترک یعنی پیشرونده میباشند . آنها در شرایط مختلف اقتصادی و اجتماعی دارای هدف و نصب العین واحد یعنی اعمار جامعه آید خودشان اند .

طوری که قبلاً تذکر رفت زادگاه طبقاتی و یا منشاء پیدایش آنها مختلف است ، آل احمد در اثرش « در خدمت و خیانت روشنفکران » چار زادگاه روشن فکری را تذکر میدهد :

۱- زادگاه روشن فکری اشرا فیت

۲- زادگاه روشن فکری مالکیت ارضی

۳- زادگاه روشن فکری روحانیت

۴- زادگاه چهارم روشن فکر شهر نشین تازه پاست با تمام حرفه های مختلفش یعنی از کارگر ساده تا پیشه وری و کارمند دولت را احتوا میکند .

با در نظر داشت مطالب فوق الذکر و معرفت به تعاریف متعدد اصطلاح « روشن فکر » به این نتیجه میرسیم که « روشن فکر » مانند سایر اقشار و طبقات اجتماعی حایز مال و متاعی در جامعه میباشد که آنها را دارند او را فقط افکار و روشن بینی اش تشکیل میدهد . بنهائاً بهتر خواهد بود تا این مخلوق اجتماعی (روشن فکر) را با عبارت ذیل تعریف نمائیم :

روشنفکران آن قشری از جامعه اند که آنها متاع زندگی یعنی افکار و اندیشه شان را در راه بهبود زندگی انسان یعنی تأمین عدالت اجتماعی و یا در یک کلمه - ایجاد یک نظام خواستخواه (آید یا ل) خودها به کار میبرند . خالی از دلچسپی نخواهد بود تا سید جمال الدین افغان را منحیث روشن فکری با زادگاه روحانیت و هواخواه پان اسلامیزم ، اصلاح طلب و پیش آهنگ قرن نهم معرفی نمائیم . اما قبل از همه یک نکته در خور توجه است که با وجود سپری شدن مدت کوتاهی (۱۰۸) سال از درگذشت این شخصیت متفکر و فیلسوف عالم اسلام ،

طوریکه لازم است شرح حال و سرگذشت او روشن نیست و اکثراً در آثار نویسندگان پیرامون شرح زندگی، آثار وی نقشش در جنبشهای آزادیخواهی و مشروطه طلبی در منطقه و جهان تناقضات و اختلافات شدید به مشاهد میرسد.

نزد هیچ افغانی شك وجود ندارد که علامه سید جمال الدین افغان از خانواده سادات ولایت کنرها بوده و در ماه شعبان سال ۱۲۵۴ هـ ق مطابق ۱۸۳۹ م در آن دیار چشم به جهان گشود و پدرش سید صفر از منورین دربار امیر دوست محمد خان بود. سلسله نسب وی به حضرت سید علی ترمزی که به پیر با مشهور است، می رسد. طوریکه دیده میشود آثار تحقیقی نویسندگان افغانی در باره سید افغانی نظر به اختناق فرهنگی که سالیان طولانی در کشور مستولی بود نسبتاً اندک به نظر میخورد و بعضی از آنها هم آنقدر دقیق، مستند و با آن تفصیلی که بتواند ابعاد مختلف زندگی آن متفکر شرق را تشریح نماید نیست. تحقیقات پراکنده پیرامون سید افغانی از دوره سلطنت امیر حبیب الله خان شروع و در اخیر قرن بیستم نظر به تغییر وضع سیاسی و فرهنگی کشور در کمیت و کیفیت آنها بهبود رخ داد. جهت معرفت بیشتر آنها بیستم اثر یکی پیرامون ابعاد مختلف زندگی سید توسط نویسندگان افغانی در اوقات مختلف تدوین شده اند از مجله «آیین افغانستان» شماره دوازدهم سال اول قوس و جدی ۶۹ مطابق دسمبر ۹۰ و جنوری ۹۱ در این جا اقتباس مینمائیم:

۱- «سلسله مشاهیر افغانستان» به قلم سلطان محمد خان کابلی مقیم شهر فرخ آباد هند وستان مورخ ۱۰ جنوری ۱۹۱۵ م (ترجمه از الهلال مصر) منتشره سراج الاخبار افغانستانیه شماره سوم سال ششم، صفحات ۱۰-۳، تاریخ چاپ ۱۹۱۶ م (۲۲ سنبله ۱۲۹۵ هـ)

۲- «احوال سید جمال الدین افغانی» به قلم محمود طرزی، سراج - الاخبار افغانستانیه شماره ۵، سال ششم، ۲۱ میزان ۱۲۹۵ هـ

۳- «حیات سید جمال الدین افغانی» محمد امین خوگیانی مطبوعه دولتی کابل - ۱۳۱۸ هـ (۱۹۳۸ م)

۴- «سید جمال الدین افغانی» غلام جیلانی اعظمی، کابل - ۱۳۱۶ هـ

۵- «سید جمال الدین افغانی» ترجمه پشتو توسط قاضی عبد الله.

آثار یکی به مناسبت هشتادمین سال وفات سید جمال الدین در سنه ۱۳۵۵ هـ (۱۹۷۷ م) از طرف وزارت اطلاعات و کلتور در کابل نشر شده است:

۶- «سید جمال الدین دشرق نابغه» سعید افغانی.

۷- «سید جمال الدین» (ترجمه عربی) عبدالله سمندر غوریانی.

۸- «نسب و زادگاه سید جمال الدین افغانی» پوهاند عبدالحی حبیبی.

۹- «سید جمال الدین و افغانستان» سید قاسم رشتیا.

۱۰- «سید جمال الدین پیشوای انقلاب شرق» محمد عثمان صدقی.

۱۱- «تلاشهای سید جمال الدین افغانی» دکتور عبدالحکیم طیبی.

۱۲- گزیده آثار سید جمال الدین افغانی به اهتمام دکتور سید مخدوم رهین.

۱۳- رساله ها و مقالات در باره سید جمال الدین افغانی به اهتمام و تدوین حبیب الرحمان جدیر.

۱۴- «ندای سید جمال الدین» از محمود ابوریه - عربی، ترجمه بشار.

۱۵- «سید جمال الدین در مطبوعات افغانستان» به اهتمام صدیق رهپو.

۱۶- «محمود طرزی - مقالات» به اهتمام دکتور روان فرهادی.

- ۱۷ - « سید جمال الدین افغانی در مطبوعات جهان » پوهنتون کابل (تجدید طبع ۱۳۵۵ مطابق ۱۹۷۷ م)
- ۱۸ - « انتقال تابوت سید » پوهنتون کابل (تجدید طبع ۱۳۵۵ مطابق ۱۹۷۷ م)
- ۱۹ - شماره خاص مجله عرفان - نشریه وزارت تعلیم و تربیه افغانستان ۱۳۵۵
- ۲۰ - شماره خاص مجله افغانستان - نشریه انجمن تاریخ ۱۳۵۵

مروری بر اسناد و وثایق تاریخی نشان میدهد که سید مقارن سلطنت امیر محمد اعظم خان به افغانستان برگشت نموده و به حیث مشاور امیر موصوف ایفای وظیفه می نمود، اما بعد از زوال سلطنت کوتاه مدت او برادرش امیر شیر علی خان دوباره به سلطنت رسید که مناسبات سید افغانی با امیر اخیراً الذکر بنام بر ملحوظات چندی:

نزدیکی سید با امیر محمد اعظم خان، فشارهای دولت بریتانیا، تهدید خطر احتمالی سلطنت از جانب سید و سایر علت دیگری که بود سید جمال الدین افغانی را وادار به ترک وطن میکند. مطابق اظهار یک تعداد محققین هنگام ترک کشور سید تمام برنامه های مترقی خود را « طی یک طومار طویل » به امیر تسلیم نمود. اما متأسفانه نه این پیشنهادات را تا اکنون کسی دیده و نه رؤس و محتوای این برنامه تا هنوز به نشر رسیده. امید است روزی این « طومار طویل » مبتنی بر پیشنهادات سید از آرشیف های شخصی و یا کدام کنج و کنار کشور آشکار شود و گوشه از زندگی سیدافغانی را روشن نماید.

سید افغانی آثار و تالیفات زیاد دارد که قسمی ترجمه شده و یا هنوز به آلمانی ترجمه نشده است و یا اگر احیاناً ترجمه هم شده باشد کمتر به دسترس علاقه مندان آن قرار گرفته است. مشهورترین آثار سید که به آسانی به دسترس قرار گرفته میتوانند قرار ذیل اند:

- ۱ - تمت البیان فی تاریخ الافغان
- ۲ - رساله نیچریه
- ۳ - طفل رضیع
- ۴ - مقالات جمالیه
- ۵ - حجت البالغه
- ۶ - رساله حقیقت اشیاء
- ۷ - کیفیت شهادت حضرت الشهدا علیه السلام
- ۸ - عروت الوثقی و غیره

سید جمال الدین افغانی سفرهای متعدد در سی و یک کشور جهان یعنی شرقی و غربی داشته و در اکثر آنها سفرهای تکراری نیز صورت گرفته است. در هر کشوری که سید افغانی میرسید مردم را علیه « استعمار، استبداد و خرافات » تحریک می نمود و به خاطر اتحاد مسلمانان « پان اسلامیزم » سخت در تلاش بود و بناء بر همین ملحوظه نه در مؤلف خود و نه در سایر کشورهای جهان از گزند پادشاهان و امیران در امان بود و قراریکه دیده میشود در هیچ مملکتی جای نداشت.

طوریکه اسناد و مدارک تاریخی ملاحظه میشوند، نویسندگان در مورد دانش و بینش سید جمال الدین افغانی اتحاد نظر دارند اما در مورد مؤلف سید در کشورهای مختلف مطالب گوناگون و متناقض نوشته اند که در اکثر آنها جنبه ناسیونالیستی و ملاحظات سیاسی بر روحیه کاوش و پژوهش علمی غلبه دارد. (۱۵)

علت فراهم آوری چنین اسناد مغشوش و جعلی که عموماً "توسط اجنت های انگلیسی و دوستان ایرانی ما صورت میگیرد ، معلوم است .

سید جمال الدین افغان اولین متفکر و فیلسوف افغانی نیست که مورد اتهام خارجی و یا ایرانی بودن قرار میگیرد، بلکه ده ها نویسنده ، محقق و مؤرخ دیگر افغانی نیز تا اکنون به همین سرنوشت دچار بوده اند که امید است روزی این مشکل ، همزمان با بهبود وضع سیاسی و اجتماعی و مخصوصاً توجه مسئولین آینده کشور به افتخارات فرهنگی و تاریخی ما مرفوع گردد .

طوریکه در مقدمه همین بخش تذکر رفت قرن نهم ، به خصوص نصف دوم آن ، آغاز جنبش های دیموکراتیک و نهضت های مشروطه خواهی در مالک شرقی تحت سلطه استعمار مانند ایران ، افغانستان و ممالک عربی بوده و سید هم به صفت یکی از پیشگامان آن تبارز نمود ، چنانچه مؤرخ شهیر میر غلام محمد غبار نقش سید جمال الدین افغانی را در این جنبش ها برجسته ساخته مینویسد :

« این عالم شرقی و فیلسوف اسلامی یک ادیب و نویسنده فاضل ، یک مرد سیاسی و انقلابی و یک خطیب آتشین نفس و متهور بی باک بود که توجه مراکز سیاسی و علمی اروپا را به خود میکشد . او از هر مستعمره و هر کشور استبدادی را نده میشد و پشت سلاطین مستبد اسلامی از هیبت این مردی که تنها کتابی و قلمی در دست و چین و دستاری در بر داشت ، میلرزید . ناصرا لدین شاه پادشاه مستبد ایران به دست یکی از پیروان این شخص کشته شد . داکتر تقی اراکانی در این مورد چنین مینویسد : تخم انقلاب سیاسی نیز به وسیله مرزا آقاخان کرمانی و سید جمال الدین افغانی و غیره کاشته میشود که صدای آن اول دفعه به وسیله تیر مرزا رضای کرمانی قاتل ناصرالدین شاه بلند میشود و به فریاد های مشروطه طلبی منتهی میگردد ، همچنین سید در هند ، مصر و ترکیه نهضت های جدید سیاسی به وجود آورد . بالاخره این مرد بزرگ افغانی در نهم مارچ ۱۸۹۶ م در شهر استانبول (ترکیه) به مرض خناق (دفتری) و تداوی یک داکتر شبهه ناک به عمر ۵۸ سالگی دیده از دنیا بست و با قدردانی جم غفیری از مردم ترکیه در قبرستان شیوخ دفن گردید ، در حالیکه از کثرت هجوم مردم هجده نفر در زیر پای مشایعین مرده بود . مزار سید در ۱۹۲۴ م از طرف یک امریکائی (مستر چارلس گیرین سفیر سابق امریکا در چین) اعمار گردید . نعش سید در ۱۹۴۴ م به افغانستان انتقال و در قبرستان مخصوص او در کابل مدفون شد . »

آن عده از هموطنانی که خواسته باشند کتاب را خرید نمایند می توانند به آدرس ذیل تماس بگیرند:

Dr. Ajruddin Hashmat
97 Forest Heights Str.
Whitby, Ont. L1R 1x7. Canada
Tel (905) 665-8767